

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده : عنایت و همی
۶ سپتمبر ۲۰۱۴

شعر زیبای دیگری از بانو سیمین بهبهانی، که هزار حرف ناگفتنی را فاش و عیان گفته است.
سیمین بهبهانی بامداد ۲۸ مرداد (اسد) درگذشت؛ روانش شاد!!!

عنایت

شهر خواب

شهر خواب آلوده را! بیدار میخواهد چه کار؟
رازهای پشت پرده یک به یک شد برملا
هر خلاقی ریشه اش خشک شده شد در این دیار
با وجود این همه غارتگر دارای پُست
آن که آب از کله اش رد شد، قضاوت با شما
هر دروغی را که میشد بر زبان آورد و رفت
سرزمینی که ندارد یک نفر بیکار، پس
تا چنین روشنتر از روز است و گویاتر ز بوق
کاسبان هم مثل زالو خون ما را میمکند
با وجود حضرت استاد "خسرو معتضد"
با بزرگانی نظیر حاج "مسعود" و "فرج"

این همه دار است! استان دار میخواهد چه کار؟
پرده بی پرده را اسرار میخواهد چه کار؟
شهر ما امن است! پس سرکار میخواهد چه کار؟
مملکت باور بکن اشرار میخواهد چه کار؟
واقعاً پیژامه و شلوار میخواهد چه کار؟
مانده ام این کار او، انکار میخواهد چه کار؟
یک وزارتخانه مثل کار میخواهد چه کار؟
این تورم، شاخص آمار میخواهد چه کار؟
خاک ایران این همه خونخوار میخواهد چه کار؟
کشور ما "ایرج افشار" میخواهد چه کار؟
سینما، "فرهادی" و اسکار میخواهد چه کار؟

خشک چون دریاچه شد، تبدیل میگردد به دشت

دشت، دیگر مرغ ماهیخوار میخواهد چه کار؟